

محمود واعظی^۱

سازمان همکاری شانگهای در مقایسه با دیگر سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اتحادیه اروپا و آسه آن، چهره متفاوتی دارد. اعضای آن چندان سنخیتی با یکدیگر ندارند. از یک سو، چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان و روسیه وسیع‌ترین کشور جهان و از سوی دیگر کشورهای کوچکی که تنها چند میلیون نفر جمعیت دارند در آن عضویت دارند، همچنین اعضا به لحاظ قدرت ملی، نظام‌های سیاسی و اجتماعی، مذهب و فرهنگ و نیز سطح توسعه اقتصادی با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند. این سازمان که در فضای پس از جنگ سرد شکل گرفته، همکاری‌های امنیتی و اقتصادی را در برمی‌گیرد.

مقدمه

در سال ۱۹۹۰، یک توافق اولیه میان اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری خلق چین برای کاهش تأسیسات و نیروهای نظامی در نواحی مرزی دو کشور و اتخاذ اقدامات اعتمادسازی، منعقد گردید، اما این توافق به دلیل فروپاشی شوروی به اجرا در نیامد. پس از ۱۵ سال وقفه در تاریخ ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۶ پنج کشور روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شهر شانگهای چین تصمیم گرفتند که به منظور تقویت اعتماد نظامی در نواحی مرزی خود تشکلی تحت عنوان «پیمان شانگهای پنج» تشکیل دهند. *تال جامع علوم انسانی* تشکلی که به کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای از توانایی‌های بالقوه وسیعی برخوردار می‌باشند، وسعت جغرافیایی این سازمان ۳۷ میلیون کیلومتر مربع و

۱. دکتر محمود واعظی معاون سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

جمعیت آن بالغ بر دو میلیارد و هفتصد میلیون نفر می‌باشد. حدود ۲۰٪ ذخائر نفت جهان و حدود ۵۰٪ ذخائر گاز جهان در حوزه این سازمان قرار دارد. این منطقه از نظر موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود که در نیمه دوم قرن ۲۱ موقعیت اقتصادی و سیاسی آسیا در نظام بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای پیدا خواهد کرد، لذا از این منظر نیز می‌توان نقش سازمان همکاری شانگهای را مورد توجه قرار داد.

در آغاز تصور بر این بود که این پیمان کوششی از جانب روسیه و چین برای مقابله با گسترش ناتو به شرق بوده است، اما بیانیه‌های اجلاس سران، مواضع سران چین و روسیه و نیز تحولات منطقه پس از وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و برجسته شدن تهدید طالبانیسم و القاعده، جهت‌گیری‌های ضد تروریستی و ضد افراطی‌گری را در این سازمان تقویت و تشدید کرد.

با وجود اعلام مواضع رسمی در مقاطع گوناگون، مهمترین ویژگی این تشکل از آغاز فعالیت خود تاکنون ابهام و عدم شفافیت در اهداف و جهت‌گیری‌های دراز مدت و کلان سازمان از نقطه نظر کشورهای تشکیل دهنده آن بوده است. در ده سالی که از تأسیس این سازمان می‌گذرد، اهداف و وظایف سازمان به صورت پلکانی گسترش یافته که آن را می‌توان در سه مرحله مورد بررسی قرار داد.

مرحله اول - از سال تأسیس تا سال ۲۰۰۰: همکاری و حل و فصل مسائل مرزی

نگرانی کشورهای عضو از تشدید اختلافات مرزی و تحرکات نظامی یکدیگر علت اولیه شکل‌گیری پیمان شانگهای پنج به شمار می‌رفت. این نگرانی‌ها با انعقاد مجموعه‌ای از توافقنامه‌های دو جانبه و چند جانبه تا حدود زیادی مرتفع شد و به عبارتی هدف اولیه شکل‌گیری سازمان در سال‌های اولیه محقق گردید. نکته حائز اهمیت در این مورد این است که از پنج عضو اولیه سازمان چهار عضو، یعنی روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان اختلافات اندکی میان خود داشتند (ضمن اینکه اختلافات و نگرانی‌های موجود نیز در قالب پیمان امنیت جمعی و یا جامعه کشورهای مشترک‌المنافع CIS قابل حل بود) و در مقابل هر

چهار کشور اختلافات و نگرانی‌هایی را در مرزهای خود با چین داشتند. به این ترتیب، چین از طریق توافقات پیمان شانگهای پنج حدود هفت هزار کیلومتر مرز مشترک خود با روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی را از هرگونه دلمشغولی عمده امنیتی رهایی بخشید. با توجه به اینکه چهار هزار کیلومتر این مرزها را مرزهای مشترک روسیه و چین تشکیل می‌دهد، در واقع، با حل و فصل اختلافات مرزی از طریق پیمان شانگهای پنج، در مرحله اول چین و در مرتبه بعد روسیه در فرآیند حرکت پیمان به سمت اهداف اولیه‌اش به اهداف و منافع خود دست پیدا کردند. از نظر روسیه انجام این توافق مشکلات تأمین بودجه برای نیروهای مرزبانی در این مرزهای گسترده را تا حدود زیادی کاهش می‌داد. سه کشور آسیای مرکزی توان تأمین امنیت در مرزهای خود را نداشتند ضمن اینکه علاقمند بودند از امکانات اقتصادی در حال رشد چین بیشتر بهره‌مند شوند. چین نیز به دلیل وجود مشکلات در تایوان از این فرصت استقبال کرد و نیروهای خود را به شرق منتقل نمود.^(۱) چین در گذشته با حضور در سازمان‌های منطقه‌ای موافق نبود و این برای اولین بار بود که یک تشکل منطقه‌ای را بنیانگذاری می‌کرد. به نظر می‌رسد این کشور با توجه به داشتن توانایی‌های بالقوه و رشد سریع اقتصادی در حال کسب ابزارهای لازم به منظور ایفای نقش بیشتر به عنوان یک قدرت بزرگ در آینده نظام بین‌المللی می‌باشد. به همین جهت چین با تعریف خود در یک مجموعه بزرگ می‌تواند بخشی از اهدافش را تحقق بخشد، ضمن اینکه اتخاذ رویکرد اقتصادی ایجاب می‌کند که در مناطقی مانند بازار آسیای مرکزی حضور داشته باشد و امکان دسترسی به منابع انرژی را گسترش بخشد.

علاوه بر این، مسئله گسترش ناتو به شرق که با تمایل برخی جمهوری‌های شوروی سابق برای عضویت در این پیمان همراه بود، روسیه و چین را به یک اندازه نگران شرایط امنیتی در اطراف خود می‌ساخت.

طی مرحله نخست اعضای سازمان به توافقات زیر دست پیدا کردند:

مطلع نمودن اعضا از فعالیت‌های نظامی که در یک صد کیلومتری مرزهایشان انجام

می‌شود؛

دعوت از اعضا به شرکت در تمرین‌های نظامی؛
ممنوعیت تمرین‌های نظامی در مرزهای مشترک و حمله نظامی به یکدیگر؛
کاهش نیروهای نظامی در مرزها؛
مبارزه با هرگونه جرائم سازمان یافته در مناطق مرزی؛
پذیرش ازبکستان به عنوان عضو ناظر در سال ۲۰۰۰؛
تغییر نام پیمان شانگهای پنج به مجمع شانگهای پنج در سال ۲۰۰۰؛

مرحله دوم - از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴: همکاری‌های امنیتی و اقتصادی

در این مرحله با توجه به اینکه نگرانی‌ها درباره مسائل مرزی تا حد زیادی مرتفع شده بود، کشورهای عضو به دنبال تحکیم روابط خود برآمدند. در ششمین اجلاس سران که در روزهای ۱۴ و ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای چین تشکیل شد در خصوص ساختار موجود و توسعه آن، مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی و همکاری‌های اقتصادی و امنیتی به بحث و تبادل نظر پرداخته شد و اسناد مهمی به امضا رسید. یکی از مهمترین اسناد امضا شده توافقنامه مبارزه با تروریسم بین‌المللی، افراطی‌گرایی دینی و قاچاق مواد مخدر و سلاح بود.

در این اجلاس با توافق ۵ کشور، ازبکستان به عنوان ششمین عضو مجمع شانگهای پنج پذیرفته شد. عملکرد و موفقیت نسبی پیمان شانگهای پنج زمینه‌ساز تبدیل آن به یک سازمان منطقه‌ای شد و در سال ۲۰۰۱ تأسیس سازمان همکاری شانگهای به صورت رسمی اعلام گردید.

در این مرحله مسائل امنیتی در سازمان همکاری شانگهای از اهمیت زیادی برخوردار گردید تا جایی که برخی آن را یک سازمان امنیتی تلقی نمودند. غالباً سازمان‌های امنیتی بر مبنای تعریف یک تهدید مشترک شکل گرفته و تداوم پیدا می‌کنند، ولی این مفهوم در ارتباط با سازمان همکاری شانگهای به صورت کامل صدق نمی‌کند. پوتین طی مصاحبه‌ای پس از اجلاس سال ۲۰۰۱ اعلام کرد که شعار سازمان جدید «امنیت از طریق شراکت» است. من و سایر همکارانم به دنبال حل مسایل امنیتی در این چارچوب هستیم. ما امیدوار هستیم که با توسعه همکاری در

منطقه در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، علمی و تعامل اقتصادی، شرایطی را ایجاد کنیم که مسایل امنیتی تحت تأثیر قرار گیرد.^(۲)

یکی از ریشه‌های نگرانی‌های امنیتی کشورهای عضو اختلاط اقوام و قوم‌گرایی می‌باشد. قوم‌گرایی یکی از معضلات و واقعیت‌های جهان امروز محسوب می‌شود. این معضل علاوه بر اینکه چالش‌های امنیتی داخلی برای برخی دولت‌ها به وجود آورده، در روابط میان کشورهای مختلف در مناطق جغرافیایی دارای اختلاط قومی، تأثیرات خاص سیاسی و امنیتی برجانه‌ده است.^(۳) حوزه جغرافیایی سازمان همکاری شانگهای از اختلاط قومی برخوردار می‌باشد و این موضوع می‌تواند به عنوان یک نگرانی امنیتی برای کشورهای عضو مطرح باشد.

حدود دو میلیون نفر قزاق در منطقه سین کیانگ چین سکونت دارند و حدود هشت میلیون اویغوری در این استان زندگی می‌کنند. این در حالی است که حدود ۲۵۰ هزار اویغوری نیز در قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان زندگی می‌کنند. اویغورها خواهان کسب استقلال از چین و ایجاد کشوری مستقل با عنوان «ترکستان شرقی» می‌باشند. ناآرامی‌های قومی در برهه‌هایی از تاریخ در استان سین کیانگ منجر به استفاده دولت چین از نیروی نظامی شده است. لذا مقامات چینی از افق‌های بی‌ثباتی و تمایلات جدایی‌طلبانه احساس نگرانی می‌کنند. کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در اشکال و اندازه‌های متفاوت با تهدید قوم‌گرایی و افراط‌گرایی و پیامدهای احتمالی آن یعنی جدایی‌طلبی و تروریسم مواجه هستند. در چین اقلیت مسلمان اویغور، و در روسیه مخالفین چچنی و در آسیای مرکزی گروه‌های مسلمان ناراضی موجب نگرانی این کشورها شده‌اند.^(۴) مبارزات قوم چچن با حکومت‌های اتحاد جماهیر شوروی همواره استمرار داشته و با فروپاشی شوروی این مناقشه به شکل قیام استقلال‌طلبی نمود بیشتری پیدا کرده است. مبارزات مردم چچن در طول تاریخ همواره با واکنش‌های نظامی سختی مواجه شده است، به طوری که در این قوم احساس جدایی‌طلبی فراگیر شده و به خواست اکثریت مبدل شده است. به همین جهت این بحران همچنان استمرار پیدا کرده و به یکی از معضلات امنیتی روسیه تبدیل شده است.^(۵) این نگرانی‌ها موجب شد تا

کشورهای عضو بر تشکیل یک مرکز ضد تروریستی در تاشکند پایتخت ازبکستان توافق نمایند. به دنبال حادثه یازدهم سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و نیز نگرانی از گسترش نفوذ عناصر القاعده و طالبان در آسیای مرکزی، اهمیت این منطقه برای غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا افزایش یافت و این کشور با بهره‌گیری از فرصت به دست آمده به تحکیم حضور خود و ایجاد پایگاه‌های نظامی پرداخت. کشورهای عضو سازمان شانگهای نیز از شرایط به وجود آمده نگران بودند لذا این تحولات در چندین اجلاس به موضوع اصلی گفتگوهای اعضای سازمان تبدیل شد. اما نکته حائز اهمیت این است که دیدگاه سازمان شانگهای در مورد افراط‌گرایی و تروریسم با دیدگاه ایالات متحده آمریکا در این خصوص دارای تفاوت‌های اساسی است (و به همین دلیل این نگرانی مشترک موجب اتخاذ راهکارهایی مشترک از سوی سازمان و ایالات متحده آمریکا حتی در زمان اوج مبارزه با تروریسم نشده است). در حالی که آمریکا موضوع اسلام‌گرایی را در سطح رویکرد مهمترین تهدید علیه هژمونی لیبرال دموکراسی تلقی می‌کند و در سطح عملکرد از طریق ایجاد پیوند میان تروریسم و جریان اسلام‌گرایی، این موضوع را بهانه‌ای برای تحقق اهداف هژمونیک خود قرار داده است، کشورهای عضو سازمان شانگهای به موضوع تروریسم و یا جریان اسلام‌گرایی افراطی صرفاً از منظر امنیت داخلی نگاه می‌کنند.

مرحله سوم - از سال ۲۰۰۵ تا کنون: گسترش حوزه فعالیت‌ها

اگر چه اعضای سازمان شانگهای در اغلب اجلاس‌های این سازمان تلاش داشته‌اند که توجه خود را عمدتاً بر مسائل منطقه‌ای متمرکز کنند، اما حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه اجازه نمی‌دهد که این سازمان در اندازه‌های منطقه‌ای باقی بماند. به همین دلیل اظهار نظرهای فرامنطقه‌ای رهبران چین و روسیه در حاشیه اجلاس‌های سازمان اغلب به حساب موضع‌گیری‌های غیر رسمی سازمان گذاشته می‌شود. البته این نکته قابل کتمان نیست که سازمان شانگهای خواسته یا ناخواسته به تدریج در حال تبدیل از یک سازمان منطقه‌ای به یک سازمان فرامنطقه‌ای است. بیانیه هشت صفحه‌ای رهبران چین و روسیه پیش از برگزاری

اجلاس سازمان در آستانه پایتخت قزاقستان که طی آن کوشش‌های یکجانبه‌گرایانه ایالات متحده آمریکا برای مدیریت بحران‌های بین‌المللی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود، خود مؤید این مطلب است. اجلاس سران سازمان شانگهای در جولای ۲۰۰۵ از آمریکا خواست برنامه زمان‌بندی برای خروج از پایگاه‌های نظامی آسیای مرکزی ارائه دهد. براساس این درخواست نیروهای آمریکایی در پایان سال ۲۰۰۵ پایگاه نظامی خان‌آباد ازبکستان را ترک کردند. رسانه‌های غربی این تحول را به مثابه ظهور یک قدرت جدید در این منطقه تلقی کردند.^(۶)

در این اجلاس به منظور تقویت و گسترش حوزه فعالیت سازمان سه کشور ایران، هند و پاکستان به عنوان عضو ناظر سازمان پذیرفته شدند. این تحولات، از آغاز احتمالی نقش آفرینی بین‌المللی سازمان شانگهای در آینده خبر می‌دهد. این نقش آفرینی در وهله نخست و در آینده قابل پیش‌بینی ضد آمریکایی نیست هر چند که می‌تواند غیر آمریکایی باشد.

پذیرش عضویت سه کشور ایران، هند و پاکستان به صورت ناظر در سازمان شانگهای از نقطه نظر همکاری‌های منطقه‌ای، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های این سازمان را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد.

در اجلاس اخیر سران سازمان شانگهای چند تفاهمنامه برای تحکیم و گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های مسائل امنیتی و اقتصادی به امضاء رسید. دعوت از کرزای رئیس جمهور افغانستان نشانه توجه سازمان به بحران‌ها و امنیت و ثبات در منطقه پیرامونی می‌باشد. تشکیل جلسه شورای تجار و بانک‌ها نشانه علاقه به همکاری بیشتر اعضا با یکدیگر می‌باشد. در همین راستا شرکت CNODC چین اعلام نمود که آمادگی دارد مبلغ ۲۱۰ میلیون دلار در میدان‌های نفت و گاز ازبکستان سرمایه‌گذاری نماید، چین اعلام آمادگی نمود که جاده اتوبان به تاجیکستان بسازد و در ایستگاه برق قزاقستان سرمایه‌گذاری نماید.^(۷)

پوتین رئیس جمهور روسیه در این اجلاس پیشنهاد تأسیس باشگاه انرژی سازمان همکاری شانگهای را مطرح نمود و خواهان توسعه همکاری در زمینه حمل و نقل و ارتباطات شد و اعلام کرد که روسیه آمادگی دارد که در پروژه‌های مشترک سرمایه‌گذاری نماید.^(۸)

تفاهمات در آخرین اجلاس سازمان یک گام به پیش برای همکاری نزدیکتر بود.

منافع چین از تشکیل سازمان همکاری شانگهای

یکی از اهداف چین از تشکیل سازمان همکاری شانگهای همکاری نزدیک تر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی با اعضاء این سازمان می باشد. از آنجا که یکی از مهمترین جهت گیری ها و اجزای استراتژی سیاست خارجی چین را حوزه جغرافیایی کشورهای این سازمان تشکیل می دهد، تعیین منافع چین در این سازمان از یک سو به فرصت هایی که این سازمان می تواند پدید آورد و از سوی دیگر به اهداف و وظایف کلی استراتژی سیاست خارجی چین بستگی پیدا می کند. براین اساس، منافع چین را از پایه گذاری سازمان همکاری شانگهای در ابعاد ملی، منطقه ای و بین المللی می توان به صورت زیر بر شمرد:

الف) ملی

۱. منافع امنیتی

این منافع در سه سطح قابل بررسی می باشند: نخست، تضمین تمامیت ارضی و وحدت ملی چین؛ دوم، به اجرا در آوردن تدابیر سخت گیرانه برای مقابله با جرائم فراملیتی و ایجاد ثبات در نواحی شمال غربی چین؛ سوم، ایجاد امنیت بیشتر در نواحی مرزی و فراهم آوردن محیط پیرامونی مناسب.

در اینجا حراست از تمامیت ارضی و وحدت ملی اشاره به مقابله با تروریسم، جدایی طلبی و افراطی گرایی دارد. در مورد کشور چین، این سه مورد عمده تاً در فعالیت های جدایی طلبانه قومی در استان سین کیانگ تجلی پیدا می کنند.

۲. منافع اقتصادی

واردات انرژی عنصر مهمی در توسعه اقتصادی بلند مدت چین محسوب می شود. با گسترش حجم اقتصاد چین، افزایش واردات انرژی اجتناب ناپذیر خواهد بود. برخی از کشورهای عضو ناظر این سازمان دارای منابع عظیم انرژی می باشند که می تواند از طریق خط لوله به چین

متصل شوند. در صورتی که این منطقه از رهگذر سازمان همکاری شانگهای بتواند به پایگاهی برای عرضه مطمئن انرژی به چین تبدیل شود، این خود دستاورد بزرگ محسوب می‌شود.

ب) منطقه‌ای

۱. افزایش نفوذ در آسیای مرکزی

با توجه به اهمیت آسیای مرکزی در امنیت ملی و امنیت انرژی چین، این کشور نیاز به گسترش نفوذ و حضور مستمر در این منطقه دارد. سازمان همکاری شانگهای چارچوبی منحصر به فرد برای همکاری بین چین و کشورهای آسیای مرکزی فراهم می‌آورد.

۲. ایجاد ساز و کار همکاری بین چین و روسیه

هر دو کشور چین و روسیه منافع قابل ملاحظه در آسیای مرکزی دارند. برای روسیه، این منطقه حیاط خلوت آن محسوب می‌شود. برای چین، کشورهای این منطقه همسایگان آن تلقی می‌شوند. چین برای گسترش نفوذ خود در این کشورها چاره‌ای جز برقراری روابط نزدیک با آنها ندارد. از این رو، این منطقه می‌تواند محلی برای برخورد منافع این دو کشور باشد. سازمان همکاری شانگهای ساز و کار برای توازن منافع بین این دو کشور در منطقه آسیای مرکزی فراهم می‌سازد.^(۹)

ج) بین‌المللی

از منظر برخی اندیشمندان سیاست بین‌الملل، رسیدن یک بازیگر به وضعیت «قدرت بزرگ» در سه مرحله صورت می‌گیرد: مرحله اول کسب استانداردهای قدرت می‌باشد. در این مرحله یک بازیگر در جنبه‌های مختلف قدرت، به ویژه حوزه‌های اقتصادی و نظامی به تدریج استانداردهایی را کسب می‌کند که آن را قابل قیاس با سایر قدرت‌ها می‌سازد. در مرحله دوم، این بازیگر درصدد تبدیل قدرت به نفوذ برمی‌آید. به عبارت دیگر،

می توان گفت که با رشد توانایی‌ها، طبیعتاً حوزه منافع این بازیگر نیز بازتعریف می‌شود و برای حراست و پیشبرد آن، تبدیل قدرت به نفوذ لازم می‌آید. کسب نفوذ آن گونه که تاریخ سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد از راه‌های مختلفی کسب شود. یکی از این راه‌ها، درگیرسازی (Engagement) سایر بازیگران در شبکه‌ای از نهادها و رفتارهای جمعی است تا به واسطه آن با تولید «رفتار مطلوب» از منافع قدرت بزرگ حفاظت و حراست گردد.

در مرحله سوم، قدرت بزرگ درصدد برمی‌آید تا قدرتهای هم تراز خود را از محیط فوری امنیتی خویش خارج کند، زیرا وجود و نفوذ آنان را اولاً به عنوان تهدید و ثانیاً به عنوان مانعی در راه حفظ و پیشبرد منافع خود می‌بیند.

رفتار چین در سازمان شانگهای را با تساهل می‌توان در این قالب تحلیل نمود. چین بازیگری است که مرحله کسب استانداردهای قدرت بزرگ را پشت سر گذاشته است و اینک در مرحله دوم یعنی درگیرسازی سایر بازیگران در شبکه‌ای از نهادها و رفتارهای جمعی در منطقه خویش قرار دارد تا به واسطه آن بتواند با تولید رفتار مطلوب جمعی از منافع خود حفاظت و حراست کند. سازمان همکاری شانگهای یکی از تجلیات این درگیرسازی است، زیرا چین با دارا بودن مهمترین نقش در این سازمان، عملاً از آن در جهت تعریف حدود مرزهای رفتار مطلوب در ضلع غربی محیط امنیتی خویش بهره می‌گیرد. موضع‌گیری‌های اجلاس سران این سازمان در مخالفت با رویکرد یکجانبه گرایانه ایالات متحده و درخواست خروج نیروهای نظامی این کشور از کشورهای آسیای مرکزی را می‌توان حاکی از این دانست که در آینده چین احتمالاً در صورت تداوم افزایش قدرت خود در پی خارج ساختن نیروهای نظامی ایالات متحده از محیط امنیتی خویش، با توسل به چنین ابزارهایی برآید.

استفن بلانک این هدف را مهمترین هدف سازمان شانگهای می‌داند. به گفته بلانک این موضوع در میان مقام‌های آمریکایی جا افتاده است که سازمان همکاری شانگهای ابزار چندجانبه اولیه چین برای اجرای سیاست ضد آمریکایی آشکار خود در آسیای مرکزی است. در این مورد که سازمان همکاری شانگهای به دنبال فراهم‌سازی زمینه تعامل فراگیر چین با آسیای

مرکزی است و به عنوان ساز و کاری برای بیرون راندن آمریکا از این منطقه عمل می‌کند، تردید اندکی وجود دارد.^(۱۰)

رویکرد روسیه به سازمان همکاری شانگهای

فروپاشی شوروی پیامدهای مهمی در عرصه داخلی و خارجی برای روسیه در برداشت. در عرصه خارجی، نقش بازیگری روسیه به شدت کاهش یافت و نفوذ این کشور در محیط‌های امنیتی خود با تحول مواجه گردید. در دوران یلتسین علی‌رغم ابراز تمایل همکاری با آمریکا و کشورهای غربی بر معضلات روسیه افزوده شد. در دوران پوتین تلاش شده است که سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای روسیه باز تعریف و بر نقش این کشور در عرصه روابط خارجی افزوده شود. یکی از ابزارهایی که پوتین به آن توجه نموده اهمیت دادن به سازمان‌های موجود منطقه‌ای در حوزه جغرافیایی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و به همراه چین بنیانگذاری سازمان همکاری شانگهای بود.

ورود روسیه به سازمان همکاری شانگهای نتیجه طبیعی مذاکرات بین چین و روسیه در مورد مسائل مرزی و تدابیر اعتمادسازی در حوزه نظامی و گسترش مشارکت استراتژیک بین این دو کشور می‌باشد.

از نظر روسیه، آنچه که بیش از همه امنیت ملی این کشور را به خطر می‌اندازد، تهدیداتی است که از ناحیه جنوب متوجه این کشور است؛ به ویژه در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز که در آنها افراطی‌گرایی مذهبی شیوع دارد. یکی از دلایل لاینحل ماندن بحران چین حمایت نیروهای افراطی مذهبی از شورشیان چین می‌باشد. علاوه بر این، مقادیر زیادی از مواد مخدر تولید شده در افغانستان از طریق روسیه به اروپا قاچاق می‌شود. همچنین مسئله قاچاق اسلحه از این منطقه مشکل‌آفرین شده است. از آنجا که روسیه خود به تنهایی قادر به مقابله با این مشکلات نمی‌باشد، سازمان همکاری شانگهای ساز و کار مناسبی برای مبارزه با تروریسم، افراطی‌گرایی و نیز قاچاق مواد مخدر و اسلحه فراهم می‌آورد.^(۱۱)

روسیه نیز همانند چین با مجموعه‌ای از نگرانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد و تقویت سازمان همکاری شانگهای را در ده سال گذشته دنبال کرده است. در سطح منطقه‌ای نگرانی‌های روسیه به تأکید ولادیمیر پوتین بر تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی خلاصه می‌شود، اما این مسایل مهمترین موضوعاتی نیستند که روس‌ها را متقاعد به ایجاد سازمان همکاری شانگهای کرده باشند. روس‌ها برای مقابله با این تهدیدها سازمان مهمتری تحت عنوان پیمان امنیت جمعی در اختیار داشتند. بنابراین، آنچه به نظر می‌رسد روس‌ها را بیشتر علاقمند به تأسیس سازمان همکاری شانگهای کرده باشد، در وهله نخست نگرانی‌های بین‌المللی روسیه و در وهله بعد نیاز این کشور به یافتن یک متحد در مسایل جهانی بوده است.^(۱۲)

کوشش‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در مسایل جهانی که یک نمونه مهم آن خروج یک جانبه این کشور از پیمان موشک‌های ضد بالستیک (ABM) بود، روسیه و چین را به یک اندازه نگران می‌ساخت. چین و روسیه در این مورد در بیانیه سازمان همکاری شانگهای هشدار دادند که طرح دفاع موشکی ملی آمریکا احتمالاً ماشه مسابقه تسلیحاتی جهان نوین را خواهد چکاند.^(۱۳)

یکی از اهداف دراز مدت روسیه از تشکیل این سازمان ائتلاف‌سازی برای اهداف بین‌المللی خود می‌باشد. یکی از دلایل روسیه با توجه به رویکرد یکجانبه‌گرایانه آمریکا، علاقه به ایفای نقش به عنوان یک قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل می‌باشد. روسیه ترجیح می‌دهد در مقابل زیاده‌خواهی‌های آمریکا در آسیای مرکزی با چین در این منطقه همکاری نماید و کشورهای آسیای مرکزی را به همکاری بیشتر با اعضای این سازمان ترغیب نماید. روسیه همچنین علاقمند است با برقراری روابط نزدیک با چین در مقابل باز کردن بازار خود بر روی کالاهای چینی، تسلیحات و انرژی به این کشور صادر نماید. احتمال تحقق این اهداف در چارچوب همکاری جمعی بیشتر خواهد بود.

فرصت‌های پیش‌روی سازمان شانگهای

از جمله فرصت‌هایی که در اجلاس سران این سازمان مورد تأکید قرار گرفته است، مسئله همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای است. کشورهای عضو اعتقاد دارند که اقتصاد اعضای این سازمان مکمل یکدیگر است و زمینه‌های زیادی برای همکاری‌های اقتصادی در زمینه‌های تجارت، ترانزیت و انرژی وجود دارد. همکاری در عرصه نفت و گاز می‌تواند بخش مهمی از این همکاری را تشکیل دهد، به ویژه با توجه به اینکه هم تولیدکنندگان انرژی و هم مصرف‌کنندگان آن در زمره اعضای این سازمان قرار دارند.^(۱۴) تحولات جهانی در دهه اخیر موجب توجه بیشتر به توسعه شده است. ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی مصرف انرژی در جهان را افزایش داده است. در این میان آسیا به عنوان پویاترین منطقه اقتصادی جهان از بالاترین حساسیت و قابلیت ضربه‌پذیری در بحث «امنیت انرژی» برخوردار است. مصرف انرژی در آسیا از بالاترین نرخ رشد در جهان برخوردار است. در میان کشورهای آسیایی چین با داشتن بالاترین میزان مصرف و نرخ رشد مصرف و نیز برخورداری از سریع‌ترین رشد اقتصادی، نگرانی‌های جدی در خصوص تضمین جریان انرژی مورد نیاز اقتصاد خود دارد. زیرا دستیابی به منابع مطمئن انرژی، عاملی اساسی در تضمین تداوم مدرنیزاسیون به مثابه انتخاب استراتژیک چین است. رشد سریع اقتصادی باعث شده که طی ده سال مصرف انرژی چین ۹۰ درصد رشد داشته باشد.^(۱۵) به همین جهت تأمین انرژی از کشورهای تولیدکننده نفت و گاز اعضای سازمان همکاری شانگهای برای چین و در مرحله بعدی هند بسیار با اهمیت می‌باشد.

خط لوله نفت از «آناسو» قزاقستان به «آلاشانکوی» چین در اوایل امسال آغاز به کار کرده است. طول این خط لوله نفت ۹۶۲/۲ کیلومتر و ظرفیت آن ۲۰ میلیون تن در سال محاسبه شده است.^(۱۶) این خط لوله می‌تواند در آینده به منطقه خزر متصل شود ضمن اینکه امکان اتصال خط لوله نفت از سیبری به منطقه واچینگ چین نیز وجود دارد. یک مقام وزارت خارجه چین اعلام نمود که رهبران چین و روسیه با احداث این خط لوله موافقت اصولی نموده‌اند و قرار است مطالعات کارشناسی در مورد آن انجام شود^(۱۷) و سال ۲۰۱۱ برای بهره‌برداری از این خط لوله در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، پذیرش عضویت سه کشور ایران، هند و پاکستان به

صورت ناظر در سازمان شانگهای از نقطه نظر همکاری های منطقه ای، توانمندی ها و ظرفیت های این سازمان را - چنانچه اراده محکمی در پشت آن وجود داشته باشد - به طور قابل ملاحظه ای افزایش می دهد. برخورداری از قریب به یک سوم جمعیت جهان و بخش اعظم منطقه اوراسیا با منابع فراوان انرژی و قرار گرفتن در یک موقعیت ژئواستراتژیک میان دو قطب پیشرفته اقتصادی جهان یعنی شرق آسیا و غرب اروپا، سازمان همکاری شانگهای را از منظر عناصر زیربنایی توسعه بسیار قدرتمند و توانا ساخته است. علاوه بر این، برخورداری چهار عضو از ده عضو اصلی و ناظر سازمان از توانمندی هسته ای، این سازمان را از لحاظ سخت افزار نظامی نیز در مرتبه بالایی قرار می دهد. (۱۸)

قسمت اعظم جمعیت اعضای رسمی و ناظر سازمان همکاری شانگهای دارای مذاهب کاملاً متفاوتی می باشند. کشورهای چین و مغولستان به بودیسم، روسیه به کلیسای شرقی ارتدکس، هند به مذهب هندو و ایران، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی به اسلام اعتقاد دارند و در مجموع چهار مذهب و تمدن های کهن در سازمان همکاری شانگهای در کنار هم دیده می شوند. کشورهای عضو و ناظر می توانند ضمن احترام به ادیان، فرهنگ ها و تمدن های متفاوت یکدیگر، در چارچوب همکاری های فرهنگی که از جمله اهداف سازمان نیز اعلام شده، نمادی از تفاهم و گفتگوی ادیان و تمدن ها را به نمایش بگذارند. پوتین رئیس جمهور روسیه قبل از تشکیل اجلاس سران در شانگهای به مناسبات دهمین سالگرد تأسیس این تشکل در مقاله ای اهداف سازمان همکاری شانگهای را مورد توجه قرار می دهد و در بخش فرهنگی توسعه همکاری و همزیستی پیروان ادیان اسلام، مسیحی و بودا را یکی از اهداف این سازمان می نامد و امیدوار است که این همکاری میان فرهنگ ها و تمدن ها به میراث فرهنگی جهانی کمک نماید. (۱۹)

عوامل محدود کننده توسعه سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان منطقه ای با محدودیت ها و چالش های زیادی مواجه است. از جمله این محدودیت ها می توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱. رقابت بالقوه بین چین و روسیه

چین و روسیه صرف نظر از همکاری در حوزه آسیای مرکزی به لحاظ ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و سنتی با یکدیگر رقابت دارند. با احیای قدرت ملی روسیه، نفوذ سنتی آن در آسیای مرکزی بسیار تقویت خواهد شد. چین نیز با گسترش هر چه بیشتر روابط خود با کشورهای این منطقه، نفوذ بیشتری در آن پیدا خواهد کرد. در صورتی که جنبه رقابت‌آمیز رویکرد چین و روسیه نسبت به این منطقه بر جنبه همکاری جویانه آن برتری پیدا کند، این امر پیامدهای منفی برای توسعه سازمان همکاری شانگهای خواهد داشت.

۲. سیاست خارجی چند وجهی کشورهای آسیای مرکزی

کشورهای آسیای مرکزی همگی از توسعه سازمان همکاری شانگهای حمایت به عمل می‌آورند، اما آنها از شرایط سیاسی، اقتصادی، امنیتی و جغرافیایی خاص خود برخوردار می‌باشند. همچنین اغلب این کشورها جهت گسترش روابط خود با قدرت‌های بزرگ به شکلی متوازن از یک سیاست خارجی متوازن پیروی می‌کنند. این امر می‌تواند پیامدهایی برای توسعه سازمان همکاری شانگهای داشته باشد. از جمله روابط بین کشورهای آسیای مرکزی با آمریکا و ناتو در حوزه‌های امنیتی و سیاسی و پیوستن ترکمنستان، قزاقستان قرقیزستان و ازبکستان به برنامه مشارکت برای صلح ناتو ممکن است منطقه را به صحنه رقابت و ستیز بین قدرت‌های بزرگ بدل سازد که این به نفع توسعه سازمان همکاری شانگهای نخواهد بود.

۳. بی‌ثباتی دولت‌ها در کشورهای آسیای مرکزی

کشورهای آسیای مرکزی همگی دارای نظام سیاسی بسیار متمرکز هستند که قدرت در آنها در شخص رئیس‌جمهور تمرکز یافته است. در نتیجه ساز و کاری برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در این کشورها وجود ندارد که این خود می‌تواند سبب ایجاد عدم اطمینان نسبت به سازمان همکاری شانگهای گردد.

۴. وجود تعارضات در روابط بین کشورهای آسیای مرکزی

روابط میان کشورهای آسیای مرکزی بسیار پیچیده است. مع هذا به دلیل اینکه آنها همگی در یک منطقه واقع شده‌اند و در بین آنها پیوندهای نزدیکی در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ، سنت و مذهب برقرار است، با تعارضاتی نیز در همین زمینه‌ها مواجه‌اند. در صورتی که این تعارضات شدت پیدا کنند، این امر ممکن است پیامدهای سوئی برای سازمان همکاری شانگهای داشته باشد.

۵. دشواری ایجاد هماهنگی میان ساز و کارهای گوناگون همکاری در آسیای مرکزی

ساز و کارهای همکاری گوناگونی در آسیای مرکزی وجود دارد که از جمله می‌توان به برنامه «مشارکت برای صلح» ناتو، گوام، جامعه اقتصادی اورآسیا و پیمان امنیت جمعی CIS اشاره کرد. با توجه به اینکه میان این ساز و کارها ممکن است همپوشانی و در مواردی تعارضاتی وجود داشته باشد، سازمان همکاری شانگهای به ویژه در خصوص همکاری‌های امنیتی با چالشی جدی مواجه می‌باشد.

۶. مشکلات مربوط به همکاری اقتصادی

پایه اقتصادی دولت‌های عضو سازمان همکاری شانگهای ضعیف است. انرژی و ارتباطات دو حوزه مهم همکاری اقتصادی این سازمان محسوب می‌شوند. با این حال، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مربوط به این دو حوزه باید بسیار وسیع و دوره آن نسبتاً طولانی باشد. چین و روسیه نسبتاً توسعه یافته‌اند اما توانایی آنها در سرمایه‌گذاری در مقایسه با کشورهای غربی محدود می‌باشد. در سایر حوزه‌ها نیز سطح همکاری اقتصادی چندان بالا نیست و مقیاس آنها نیز چندان بزرگ نمی‌باشد، در نتیجه امکان سوددهی سریع وجود ندارد.^(۲۰)

اختلاف و تفاوت فاحش میان اعضا به لحاظ توانمندی‌های اقتصادی امکان

همکاری‌های برابر و متقابل را از آنها سلب می‌نماید. کشورهای ضعیفی مانند قرقیزستان، تاجیکستان و مغولستان دستاورد قابل توجهی برای عرضه به دیگران در اختیار ندارند، در حالی که چین با کشورهایمانند آمریکا، ژاپن و کشورهای اروپایی در زمینه مسائل تجاری رقابت می‌کند. برای این نابرابری فاحش اقتصادی در میان اعضا لازم است چاره‌ای اندیشیده شود.

۷. توانایی ثبات‌سازی در منطقه

یکی دیگر از موانع سازمان همکاری شانگهای در ایجاد ثبات در منطقه علاوه بر افغانستان، مسئله جامو و کشمیر خواهد بود که روابط دو عضو ناظر جدید این سازمان را در گذشته حتی تا مرز برخورد نظامی به پیش برده است. چنانچه سازمان شانگهای بتواند مسئله جامو و کشمیر را به گونه‌ای حل و فصل نماید، در این صورت اعتبار و اهمیت آن بسیار افزایش خواهد یافت.

چه آینده‌ای برای سازمان قابل پیش‌بینی است؟

با توجه به اینکه این سازمان در ده سال گذشته بیشتر به موضوعات منطقه‌ای پرداخته است و در ارتباط با موضوعات مهم بین‌المللی موضع مشخص و فعالی نداشته است، برای آینده سازمان دو دیدگاه متصور است:

۱. دیدگاه بدبینانه به آینده سازمان معتقد است که این مجموعه نیز مانند بسیاری از سازمان‌های همکاری منطقه‌ای در میان کشورهای در حال توسعه امکان چندانی برای توسعه همه‌جانبه و نقش‌آفرینی سیاسی در سطح بین‌الملل نخواهد یافت. عدم امکان نقش‌آفرینی به وضعیت سیاسی سازمان اشاره دارد. با توجه به وضعیت چین و روسیه در نظام بین‌المللی این دسته از تحلیل‌گران معتقدند که این دو کشور در آینده قابل پیش‌بینی قادر به ایفای نقشی مستقل و تعیین‌کننده نیستند. چون نقش‌آفرینی جدی در ارتباط با موضوعات مهم بین‌المللی، تقابل با سیاست‌های آمریکا تلقی می‌شود و این دو کشور بنای مقابله با آمریکا را ندارند. به همین

دلیل نیز سازمان نمی تواند به لحاظ سیاسی در خصوص مسائل مهم بین المللی نقش چندانی در معادلات قدرت جهانی ایفا نماید.

۲. در مقابل، دیدگاه خوش بینانه عمدتاً به ظرفیت ها و قابلیت های در حال ظهور چین در نظام بین المللی تأکید می کند و معتقد است که این سازمان برای تحقق اهداف آتی چین و احیای نسبی نقش روسیه در ساختار نظام بین المللی طرح ریزی شده است. رقابت میان قدرت های بزرگ و مخالفت با یکجانبه گرایی و تمایل قدرت های بزرگ برای ایفای نقش فعال تر در نظام بین الملل فرصت جدیدی برای بازیگری این سازمان به وجود خواهد آورد. با توجه به شرایط موجود سه سناریو برای آینده سازمان همکاری شانگهای قابل پیش بینی است:

- اول، تداوم وضعیت کنونی که مستلزم سطح محدودی از همکاری های اقتصادی و امنیتی با تمرکز بیشتر بر مسائل آسیای مرکزی و برخی موضع گیری های صوری در سطح بین الملل است.

- دوم، گرایش سازمان به تقویت همکاری های اقتصادی میان کشورهای عضو و حرکت در جهت تبدیل شدن به یک سازمان اقتصادی.

- سوم، حرکت در جهت تأکید بیشتر بر ابعاد سیاسی و امنیتی سازمان با هدف تقویت موضع اعضا در سطح بین المللی و ایفای نقش مؤثر تر در مسائل بین المللی و فرامنطقه ای.

چشم انداز عضویت ایران در سازمان شانگهای

اگر عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای را در سطح استراتژیک امر مثبتی تلقی کنیم، در این صورت واقع بینی اقتضا می کند که در آغاز عضویت، چشم انداز این همکاری از نقطه نظر ظرفیت ها، توانمندی ها و یا محدودیت های آن مورد توجه قرار گیرد. به طور مشخص، جمهوری اسلامی ایران در مورد نحوه و سطح همکاری با سازمان شانگهای دو گزینه را در پیش رو دارد:

- اول، تداوم عضویت ناظر و نیمه فعال کنونی با هدف آگاهی از تصمیمات سازمان و مشارکت در زمینه‌هایی که احتمالاً در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد؛
- دوم، کوشش برای عضویت کامل و حضور فعال در سازمان با هدف ارتقای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی آن، هم در عرصه همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و هم در عرصه موضع‌گیری‌های سیاسی بین‌المللی.

مزیت‌گزینه نخست این است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر بدون آنکه متعهد به اجرای تمامی تصمیمات سازمان باشد و یا در تمامی موضع‌گیری‌های سازمان مشارکت داشته باشد می‌تواند به طور محدود بر تصمیمات سازمان تأثیر بگذارد و احتمالاً در مواردی از مزایای موضع‌گیری‌ها و اقدامات جمعی سازمان بهره‌مند گردد.

در ارتباط با گزینه دوم عضویت ایران در سازمان، اگر چه فرصت جدیدی را برای فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی ایران فراهم می‌گردد و متناسب با ارتقای نقش سازمان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نقش ایران نیز افزایش خواهد یافت، اما این امر مستلزم پذیرش تصمیمات و موضع‌گیری‌های سازمان خواهد بود. در حال حاضر، هنوز ابهاماتی در مورد اهداف و جهت‌گیری‌های کلان و دراز مدت سازمان وجود دارد و برای مفاهیمی چون مقابله با اسلام‌گرایی افراطی هنوز تعریف مشخصی ارائه نشده است. در ده سال گذشته با توجه به موقعیت روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای این سازمان عمدتاً بر مدار اهداف و مقاصدی که این دو کشور در نظر دارند، حرکت کرده است. چینی‌ها احتمالاً نگاه دراز مدتی به این سازمان هم از جنبه منافع اقتصادی و هم از جنبه نگاه امنیتی دارند.

از میان سناریوهای ذکر شده برای آینده سازمان، چنانچه سناریوی نخست به تحقق بپیوندد، تلاش ایران برای عضویت کامل و یا تقویت سازمان چندان محلی از اعراب نخواهد داشت و مشارکت ایران در همین سطح کنونی می‌تواند کافی باشد. اما چنانچه سازمان به سمت سناریوی سوم حرکت کند، عضویت کامل ایران در سازمان می‌تواند نقش منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش دهد ضمن اینکه برخی تعهدات را نیز برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید. تنها

در صورتی که سازمان همکاری شانگهای در جهت تبدیل شدن به یک سازمان کاملاً اقتصادی گام بردارد، عضویت کامل ایران در سازمان از توجیه بیشتری برخوردار خواهد بود.^(۲۱)

بنیانهای نظری راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال سازمان همکاری شانگهای

نهادها در هر نظامی از ارکان اساسی به شمار می‌آیند، نظم بین‌المللی نیز از این امر مستثنی نیست. در این نظم نیز بازیگران با ایجاد نهادها تلاش دارند تا ضمن کاهش آسیب‌پذیری، منافع خود را به گونه‌ای بهتر مدیریت نمایند.

سازمان همکاری شانگهای یکی از این نهادهاست که بازیگران آن به دلیل مسائل مختلف و در رأس آن جغرافیا از نقاط اشتراک مهمی در حوزه منافع و نیز آسیب‌پذیری‌ها برخوردارند. همین «اشتراک» است که باعث شده این کشورها با شکل‌دهی به سازمان همکاری شانگهای در پی مدیریت بهتر منافع و کاهش آسیب‌پذیری‌ها برآیند. ایران به عنوان عضو ناظری که در صد کسب عضویت کامل در این سازمان است، طبعاً در پی آن است تا با استفاده از این ابزار ضمن کاهش آسیب‌پذیری، منافع خود را به گونه‌ای مطلوب‌تر مدیریت نماید. بدیهی است که در این مسیر، شناخت توانایی‌های سازمان و منطبق نمودن نیازها و خواسته‌ها با اهداف و مأموریت‌های سازمان از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

۱. خروج از ذهنیت جنگ سردی

مهمترین موضوعی که در شناخت این سازمان، اهداف و اصول آن و نیز گمانه‌زنی پیرامون آینده آن باید مورد توجه قرار گیرد، خروج از ذهنیت جنگ سردی است. این ذهنیت تمایل شدیدی به تحلیل روابط کشورها، بر مبنای تقابل و تضاد دارد. در چارچوب این ذهنیت، هنگامی که کشورها به همکاری‌های نزدیک مانند تشکیل سازمان‌ها یا پی‌ریزی روابط استراتژیک روی می‌آورند، حتماً در پی تشکیل قطب، بلوک یا اتحادیه نظامی علیه تعداد دیگری

از کشورها هستند. دوران این ذهنیت در حال سپری شدن است. زیرا با وجود گذشت سال‌ها از پایان جنگ سرد، دگرگونی نظام بین‌الملل و به تبع آن ایجاد تغییرات عمده در امنیت بین‌المللی، هنوز برای تحلیل نظم بین‌المللی و روندها و فرآیندهای آن به الگوی گذشته توسل می‌جوید. به همین دلیل بود که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر که آمریکا تلاش نمود برای اهداف خود از ابزارهای دوران جنگ سرد استفاده نماید، با واکنش شدید افکار عمومی جهان و بسیاری از قدرت‌ها مواجه شد.

این ذهنیت در ایران و در میان نخبگان فکری و به خصوص ابزاری از ریشه‌های عمیقی برخوردار است. نگاه به سازمان شانگهای از این منظر، یکی از نمودهای این ذهنیت به شمار می‌آید. این در حالی است که دگرگونی نظم بین‌المللی باعث شده است که روابط کشورها از وضعیت «اتحاد با یکی و تقابل با دیگری» در دوران جنگ سرد به فاز پیچیده‌ای از «همکاری و رقابت توأمان» وارد شود. نمود عینی این وضعیت را در سازمان شانگهای می‌توان دید، بدان معنا که علی‌رغم همکاری‌های تنگاتنگ چین و روسیه در آن، این دو در برخی حوزه‌ها از جمله نفوذ در آسیای مرکزی نیز با یکدیگر رقابت دارند. از دیگر سو علی‌رغم رقابت شدید میان چین و هند و تلاش گسترده آنها برای تبدیل شدن به قدرت برتر آسیا، چین با حضور هند در این سازمان موافقت می‌کند. بنابراین، اصلاح «ذهنیت جنگ سردی» در پیگیری اهداف ایران در این سازمان، ضرورتی اساسی به شمار می‌آید.

۲. ضرورت ائتلاف‌سازی

دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی از اشتراکات، تفاوت‌ها و تعارضات گسترده‌ای در منافع خود برخوردارند. این امر موجب شده است تا کشورها به تدریج به سمت شکل‌دهی به ائتلاف‌ها و نهادهایی برای بهره‌مندی از مزایای اشتراکات و فائق آمدن بر تعارضات گرایش یابند. نمونه‌های این ائتلاف‌ها در مناطق مختلف جهان در حال افزایش می‌باشد. هم‌اکنون نهادهایی چون اتحادیه اروپا و ناتو با وجود اختلاف نظرها و رقابت‌ها توانسته‌اند

حوزه‌های مشترکی برای همکاری تعریف کنند و گام‌های اساسی در راستای اهداف خود بردارند. آسیا از این منظر دچار نوعی عقب‌ماندگی است، زیرا به رغم وجود جمعیتی عمده، پتانسیل‌های عظیم و منافع مشترک مهم در میان بازیگران آن از یک سو و اختلافات، تعارضات و رقابت‌های تاریخی از دیگر سو، مجموعه‌سازی و شکل‌دهی به نهادها در آن دچار ضعف است. کشورهای آسیایی با آگاهی از این ضعف، حرکت خود به سمت تشکیل نهادها را آغاز کرده‌اند که آ.سه.آن و شانگهای با دربرگرفتن بسیاری از بازیگران در شرق و غرب این قاره، نمودهای این حرکت به شمار می‌آیند.

بر این مبنا به نظر می‌رسد، فهم موقعیت و توانایی‌های سیاسی سازمان شانگهای در قالب نمادی جهت «مدیریت بهتر منافع و حل منازعات» به واقعیت این سازمان و اهداف آن نزدیکتر باشد.

چرا باید سازمان همکاری شانگهای را جدی گرفت؟

حداقل شش دلیل برای پاسخ به این پرسش می‌توان ارائه کرد:

اول - موضوع جهانی شدن باعث شده است که ائتلاف‌ها افزایش یافته و بیش از گذشته اهمیت پیدا کنند. به همین جهت در دهه گذشته بسیاری از ائتلاف‌ها و سازمان‌ها فعال و تقویت شده و کشورها خواسته‌ها و منافع خود را در چارچوب مجموعه‌ای از کشورهای همسو بیان می‌کنند.

دوم - ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای و همچنین توانمندی‌های آن با توجه به عضویت دو عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت در این سازمان، دارا بودن بیش از یک سوم جمعیت جهان، وسعت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی نوید یک ائتلاف بالقوه توانمند را می‌دهد و اگر چهار کشور عضو ناظر مغولستان، ایران، پاکستان و هند نیز به جمع اعضا اضافه گردند، سازمان شانگهای با جمعیتی حدود ۲/۷ میلیارد نفر و وسعت حدود نیمی از کره زمین به موقعیتی مهم‌تر دست خواهد یافت.

سوم - به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران قرن حاضر قرن آسیاست و بسیاری از معادلات قدرت در سطح جهانی در این منطقه تعیین می‌گردد و لذا اهمیت آسیا در آینده نظام بین‌الملل در حال افزایش است و لازم است قدرت‌های آسیایی جایگاه خود را در نظام جدید بین‌الملل تعریف نمایند.

چهارم - ظرفیت‌سازی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای امری ضروری است. در چارچوب چنین نهادهایی است که فرصت گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری‌های متقابل و توسعه همکاری‌های صنعتی و اقتصادی افزایش می‌یابد.

پنجم - با عنایت به وضعیت خاص منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران نیازمند آن است که به اشکال و روش‌های گوناگون با مجموعه‌های بزرگتر منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری نماید و برخی از خواسته‌ها و منافع خود را در آن چارچوب تعریف نماید.

ششم - این سازمان نمی‌تواند در آینده به عنوان یک سازمان منطقه‌ای بماند زیرا حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه در شرایط متحول جهان کنونی موجب خواهد شد که این سازمان به عنوان یک سازمان فرامنطقه‌ای خود را مطرح نماید.^(۲۲)

نتیجه‌گیری:

سازمان همکاری شانگهای از آغاز شکل‌گیری تاکنون اهداف خود را به صورت پلکانی تعریف و دنبال کرده است و در هر مرحله متناسب با اهداف جدید، پذیرش اعضای جدید را در دستور کار خود قرار داده است. این سازمان در آغاز با هدف اعتمادسازی در مرزهای مشترک میان روسیه، چین و سه کشور آسیای مرکزی ایجاد شد و در مرحله بعد با مطرح شدن موضوع تروریسم و افراطی‌گرایی مذهبی، مبارزه با این موضوع در دستور کار نخست سازمان قرار گرفت و همزمان با آن از پاکستان که بیش از سایر کشورهای آسیای مرکزی در معرض رشد جریان‌های افراطی قرار داشت، به عضویت سازمان پذیرفته شد. در مرحله کنونی با توجه به اینکه چهار کشور مغولستان، ایران، هند و پاکستان به عنوان اعضای ناظر می‌باشند، اهداف سازمان که در

گذشته بر جنبه‌های جغرافیایی و عمدتاً بر مسائل آسیای مرکزی متمرکز بود، یک مرحله دیگر گسترش یافته و ایجاد یک منطقه بدون تنش و احتمالاً بدون حضور نظامی آمریکا را در میانه شرق پیشرفته و غرب پر تنش آسیا دنبال می‌کند. در شرایط فعلی، به نظر می‌رسد که سخن گفتن از ارتقای سازمان به یک سازمان سیاسی امنیتی در سطح جهانی و یا یک سازمان کاملاً اقتصادی با توجه به عضویت هند و پاکستان در این سازمان و همچنین نابرابری‌های اقتصادی موجود در آن عجولانه باشد، ضمن آنکه در صورت چنین ارتقایی به احتمال زیاد جهت‌گیری‌های سازمان بر مدار منافع چین - در وهله نخست - و روسیه - در وهله بعد - خواهد چرخید.

لازم است فرآیند توسعه سازمان همکاری شانگهای به صورت تدریجی طی شود. در درجه نخست آنچه که برای تحکیم این سازمان اهمیت دارد، تعمیق همکاری‌ها در درون آن است. سازمان همکاری شانگهای باید از مقررات الزام‌آوری تبعیت کند و کلیه اعضا باید از حقوق، وظایف و مسئولیت‌های مشخصی برخوردار باشند. این سازمان به لحاظ ویژگی‌های خاص خود باید در کنار وجود مقررات سخت در برخی حوزه‌ها از انعطاف‌پذیری‌هایی در حوزه‌های دیگر برخوردار باشد.^(۲۳)

از سوی دیگر تجربیات پیشین نشان داده است که سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به دشواری قادرند در دو زمینه همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با یک دسته از اعضا عملکرد مناسبی داشته باشند. از این رو، سازمان همکاری شانگهای با توجه به اینکه سازمان نسبتاً منحصر به فردی می‌باشد لازم است برای هماهنگی این دو عرصه فعالیت چاره‌ای بیاندیشد.

با نگاه کلی به سازمان شانگهای، آنچه برای ایران بیش از هر چیز اهمیت می‌یابد، استفاده از این سازمان در جهت ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خویش است، زیرا محیط امنیتی ایران، همپوشی‌های بسیاری با محیط امنیتی سایر اعضای آن دارد.

اهمیت این موضوع هنگامی روشن‌تر می‌گردد که توجه داشته باشیم: اولاً بر مبنای سند چشم‌انداز به عنوان استراتژی کلان کشور، ایران باید در بیست سال آینده به جایگاه اول علمی، اقتصادی و فن‌آوری در منطقه جنوب غرب آسیا نائل آید و ثانیاً در حال حاضر، محیط امنیتی

ایران به شدت مغشوش و ناپایدار است، زیرا از یک سو به خاورمیانه و عراق و از دیگر سو به افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی اتصال می‌یابد که بی‌تردید یکی از بی‌ثبات‌ترین و خطرناک‌ترین مناطق جهان به شمار می‌آیند. نیل به توسعه‌ای سریع و کسب شاخص‌های سند چشم‌انداز در چنین محیط امنیتی‌ای بسیار دشوار می‌نماید و از این رهگذر است که اهمیت ثبات و نهادسازی برای ایجاد ثبات روشن می‌گردد.

بنابراین در مجموع می‌توان گفت که اولاً خروج از ذهنیت جنگ سردی شرط لازم فهم و تعریف صحیح سازمان همکاری شانگهای است و ثانیاً نگاه به آن از زاویه نهادی سیاسی در جهت مدیریت بهتر منافع و حل منازعات، پایه‌های محکمی در واقعیت دارد. ضمن اینکه زمینه‌های بالقوه اقتصادی وجود دارد که می‌تواند برای همه کشورها فرصت فراهم نماید. با تکیه بر این دو مؤلفه می‌توان این سازمان را به عنوان ابزاری ثبات‌زا در محیط امنیتی ایران در نظر گرفت و از آن در جهت ایجاد ثبات در محیط امنیتی ایران و بسترسازی برای نیل به اهداف سند چشم‌انداز بهره گرفت.

یادداشتها

1. Bruce Pannier, Eurasia: Shanghai Cooperation Organization Marks 10 Years, April 26, 2006.
2. www.Mid.ru.sune 15. 2001.
3. محمود واعظی، مناقشه قره‌باغ: میراثی از چالشهای قومی شوروی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران وزارت امور خارجه، سال یازدهم، دوره سوم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۵.
4. Pannier, *op.cit.*
5. محمود واعظی، «علل و عوامل استمرار بحران چین» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه، سال سیزدهم، دوره چهارم، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۸۳، ص ۷.
6. Pannier, *op.cit.*
7. "Shanghai Cooperation Organization Summit Opens" Radio Liberty, Jun 15, 2006
8. خبرگزاری روسیه، چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۵.
9. Zhao Huasheng, "Establishment and Development of Shanghai Cooperation

Organization", SIIS Journal, Shanghai Institute for International Studies, Vol.9, No.6, February 2002, pp.32-34.

10. Stephen Blank, China and Shanghai Cooperation Organization at Five, China Brief, Vol.6, Issue 13, June 21, 2006. in www.Jamestown.org.

11. Zhao Huasheng, *op.cit.*, p.35.

۱۲. محمود شوری، ساختارها و ترتیبات امنیتی در جمهوری‌های شوروی سابق، کتاب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، ویژه مسایل امنیتی، مؤسسه بین‌المللی ابرار معاصر تهران، فروردین ۸۳، صص ۲۸۷-۲۸۶.

13. China, Russia an Central Asia Unit against US Missile Shield. in www.AsiaDaily.com.6/16/01

۱۴. نگاهی به تأثیر عضویت ناظر ایران، هند و پاکستان در سازمان همکاری شانگهای، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴/۴/۱۵.

۱۵. محمود واعظی، وابستگی متقابل ایران و چین: مشارکت در انرژی، همکاری در امنیت، مجله همشهری دیپلماتیک، سال اول، شماره اول، فروردین ۱۳۸۵، صص ۲۲.

۱۶. سرگئی کولچین، «روسیه ایجاد باشگاه انرژی در سازمان همکاری‌های شانگهای را پیشنهاد می‌کند» خبرگزاری نووستی، مسکو، ۳۰ خرداد ۸۵.

۱۷. نگاهی به تأثیر عضویت ناظر ایران، هند و پاکستان در سازمان همکاری شانگهای، پیشین.

۱۸. ایران و سازمان همکاری شانگهای: ابهام‌ها و امیدها، گاهنامه تحلیل سیاست خارجی ایران و نظام بین‌الملل، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۴۳، شهریور ماه ۱۳۸۴.

19. Dimitri Kosvrer, "Putin has an Asian Vision for Growth and Cooperation", Moscow (UPI), Jun 20, 2006.

20. Zhao Huasheng, *op.cit.*, pp.38-41.

۲۱. ایران و سازمان همکاری شانگهای: ابهام‌ها و امیدها، پیشین.

۲۲. محمود واعظی، سازمان همکاری شانگهای و ایران: نگاه درازمدت، مجله همشهری دیپلماتیک، سال اول، شماره سوم، خرداد ۱۳۸۵، صص ۱۵.

23. Zhao Huasheng, *op.cit.*, pp.42-43.